علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۸ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، پاییز ۱۴۰۴، ص ۲۴-۳۷

بررسی سندی و محتوایی گزارهٔ «بَل وَجَدْتُكَ أَهْلاً لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُك»

سید ابوالقاسم حسینی زیدی[۱] / علی اکبر حبیبی مهر[۲]

چکیده: در مورد عبارت «**إلَهی مَا عَبَدْتُكَ خَوفاً مِنْ نَارِكَ وَ لا شَوقاً إلی جَنَّتِكَ، بَل وَجَدْتُكَ أَهْلاً لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ**» و انتسابش به امیرمومنان علی علیه‌السلام و اینکه این عبارت حدیث است یا سخنی عارفانه، و نیز در مورد میزان دلالت این گزاره، چندین نظریه در بین حدیث‌پژوهان دیده می‌شود. یافته‌های این نوشتار به روش مسأله‌محور و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی- تحلیلی، نشان می‌دهد: اولاً این عبارت در کتب فقهی و حدیثی به صورت مرسل بیان شده است و نخستین بار این عبارت را ابن‌میثم بحرانی نقل کرده و مصداقی از ضرب المثل «ربّ مشهور لا اصل له» می‌باشد. دوم اینکه از نظر محتوایی با رجوع به آیات، روایات و حکم عقل می‌توان گفت که قصد ثواب، منافات با اخلاص ندارد و اعمالی که به طمع رسیدن به ثواب یا ترس عذاب انجام می‌پذیرد، می‌تواند از صفت صحت برخوردار باشد و هیچ مانعی برای پذیرش آنها وجود ندارد. انگیزه‌های مختلف غیر الهی به حکم عقل در طول انگیزه الهی است و کسانی که تمام عبادات خود را کاملاً برای رضای خدا انجام داده و هیچ حاجتی از خدا ندارند، کمیابند.

کلید واژگان: عبادت، ترس از جهنم، شوق به بهشت، بررسی سندی، بررسی محتوایی.

---

* دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰.

۱. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی hoseini.zeydi@razavi.ac.ir
۲. نویسنده مسئول. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه خراسان aliakbarhabibyimehr@gmail.com

مقدمه

از دیرباز مسأله عبادت و نیایش مورد توجه تمام ادیان الهی بوده است و در دین مبین اسلام و بر اساس آموزه‌های اسلامی بر توجه به ذات باری تعالی تأکید فراوان شده است.

عبادت مصداق خضوع و خشوع در پیشگاه خداوند متعال می‌باشد. در بین عرفای اسلامی توجه به ذات خداوند متعال تأکید می‌شود و اینکه عارف دائماً خود را در محضر حق بداند و توجهی به اطراف و مردم نداشته باشد که چگونه گذران عمر می‌کنند. در این میان جمله مشهوری به امیرمومنان علیه‌السلام نسبت داده می‌شود که عبادت حضرت بدون توجه به مؤاخذه یا پاداش و تنها برای درک حق بوده است و هنگامی که شخصی به درک مقام ربوبی برسد، دیگر حق را شایسته کرنش و عبادت می‌داند نه این‌که به خاطر ترسیدن از عقاب یا به دلیل دریافت پاداش عبادت کند.[1]

بعضی از فقیهان امامیه در کتاب الصلاة در باب نیت آن، به این عبارت منسوب به حضرت علی علیه‌السلام اشاره نموده‌اند و به تحلیل درجات نیت، قصد عمل و این‌که اگر عمل منضم به هدف دیگری بود و از ترس جهنم یا شوق به بهشت باشد؛ عمل صحیح می‌باشد یا خیر؟ به بحث و بررسی در مورد متن گزاره محل بحث پرداخته‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج۲، ص۴۳۵)

حال باید دید که اولاً: این سخن مشهور که سندش به امام علی علیه‌السلام می‌رسد، معتبر است یا کلام مشهوری است که مستند ندارد. ثانیاً: این‌که محتوای این سخن چه مقدار صحیح می‌باشد و منظور حضرت از این عبارت چیست، با توجه به این‌که هر انسانی عملی را که انجام می‌دهد باید بر اساس انگیزه‌ای باشد؛ همان‌طور که در حکمت ۲۳۷ نهج البلاغه چنین آمده است: «إِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ. وَ إِنَّ قَوْماً عَبَدُوا

---

۱. البته این سخن به گونه‌ای دیگر از امام سجاد علیه‌السلام در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «إنّي أكرَهُ أن أعبُدَ اللهَ لا غَرَضَ لي إلّا ثَوابَهُ، فَأَكونَ كَالعَبدِ الطَّمِعِ المُطيعِ، إن طَمِعَ عَمِلَ و إلّا لَم يَعمَل. و أكرَهُ أن أعبُدَهُ [لا غَرَضَ لي] إلّا لِخَوفِ عِقابِهِ، فَأَكونَ كَالعَبدِ السَّوءِ إن لَم يَخَف لَم يَعمَل. قيلَ لَهُ: فَلِمَ تَعبُدُهُ؟ قالَ: لِما هُوَ أهلُهُ بِأَياديهِ عَلَيَّ و إنعامه» (حسن بن علی علیه‌السلام، ۱۴۰۹ق، ص۳۲۸).

اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ. وَ إِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ شُكْراً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص۵۱۰)

بنابراین، در این جستار به بررسی عبارت «إِلَهی مَا عَبَدْتُكَ خَوفاً مِنْ نَارِكَ وَ لا شَوقاً إِلی جَنَّتِكَ بَل وَجَدْتُكَ أَهْلاً لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۶۷، ص۱۷۶) می‌پردازیم که آیا نسبت این عبارت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام صحیح می‌باشد؟ و هم‌چنین تا چه اندازه دلالت متن با آیات و روایات سازگار است؟

در بررسی مسئله این مقاله، هیچ پیشینه‌ای پیدا نشد؛ البته مطالبی در جستجوهای اینترنتی به چشم می‌خورد، ولی این مطالب، اصلاً به بررسی سندی و دلالی این گزاره نمی‌پردازند.

۱. بررسی سندی

درباره این عبارت: «بَل وَجَدْتُك أَهْلاً لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُك» که حدیث است یا سخنی عارفانه، چندین نظریه در بین حدیث پژوهان دیده می‌شود.

عده‌ای از علما قائل به انتساب این عبارت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام شده‌اند؛ از جمله: شهید اوّل (شهید اوّل، بی‌تا (الف)، ص۹۳؛ شهید اول، بی‌تا (ب)، ج۱، ص۷۷)، فاضل مقداد (حلی، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص۲۱؛ حلی، ۱۴۲۵ق، ج۱، ص۳۲)) و... برای نمونه علامه مجلسی بعد از نقل روایت نهج البلاغه اظهار داشته است: «وَ قَال علیه‌السلام فِي مَوْضِعٍ آخَرَ: إِلَهِي مَا عَبَدْتُكَ خَوْفاً مِنْ عِقَابِكَ وَ لا طَمَعاً فِي ثَوَابِكَ وَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُك» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۴۱، ص۱۴).

گروهی از فقهاء صدور آن را مسلم گرفته و به این روایت استدلال کرده‌اند (تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج۱، ص۱۱۷).

گروهی این عبارت را در محل بحث نیاورده‌اند، بلکه این عبارت را -آن هم به مضمون نه عین عبارت - متذکر شده‌اند؛ مانند ابن‌ابی الحدید که در ذیل یکی از شرح جملات خطبه متّقین (همام) آورده است: «لم أعبده خوفاً و لاطمعاً لكني وجدته أهلا للعبادة فعبدته» (ابن‌أبی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج۱۰، ص۱۵۷).

برخی مانند شیخ حر عاملی در بابی با عنوان «بَابُ مَا يَجوز قَصْدُهُ مِنْ غَايَاتِ النِّيَّةِ وَ مَا يُسْتَحَبُّ اخْتِيَارُهُ مِنْهَا» بعد از ذکر دو روایت مثل روایت نهج البلاغه و ذکر سند برای آن دو روایت، به ذکر این عبارت محل بحث نمی‌پردازد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج۱، ص۶۲).

در کتاب عوالی اللئالی این عبارت ذکر شده است، ولی محقّق و مصحّح آن گفته است: «بعضی از جملات مشهور مدرکی برای آن‌ها نمی‌توان به دست آورد مگر این کتاب؛ که کتاب مذکور هم از منابع دست اوّل نمی‌باشد و در نتیجه قابل اعتماد نیست» (ابن‌أبی‌الجمهور، ۱۴۰۵ق، ج۱، ص۲۰).

برخی یادآور شده‌اند که شیخ حر عاملی در شرح وسائل چنین گفته است: «این عبارت از طریق شیعه نیست و احتمالاً از عامه نقل شده است» (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج۶، ص۸)

آیت الله خویی هم همین ادعا را مطرح کرده است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج۵، ص۴۱۶). البته این احتمال با جستجوی نگارندگان در کتب اهل سنت قابل اثبات نیست؛ زیرا که این عبارت در کتب آنان پیدا نشد (نک: نرم‌افزار المکتبة الشاملة).

سید عبد الأعلی سبزواری بعد از ذکر عبارت مورد نظر خاطرنشان می‌کند: «در تفحص‌هایی که انجام دادم این عبارت را از طریق خودمان (یعنی مذهب شیعه) پیدا نکردم و از طرفی دیگر اشکالات دلالی در این سخن وجود دارد مانند...» (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج۶، ص۱۲۰).

از سخنان عالمان، می‌توان نتیجه گرفت که این عبارت مستند نمی‌باشد، اگرچه عده‌ای از حدیث‌پژوهان آن را مرسل بیان کرده‌اند. برخی ادعای تواتر آن را هم مطرح کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج۲، ص۶۷۸)، ولی با بررسی می‌توان متوجه شد که در مصادر حدیثی و دست اوّل ذکر نشده است. شاید نخستین کسی که آن عبارت را ذکر کرده، ابن‌میثم بحرانی (۶۷۹یا ۶۹۹ق) است که در ذیل حکمت «إِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً...» گوید: «أشار عليه السلام إليها في موضع آخر فقال عليه السلام: ما عبدتك...» (ابن‌میثم، میثم بن علی، ۱۳۷۰ق، ج۵، ص۳۶۱).

پس از او با ارسال قاطع، به ترتیب؛ شهید اوّل (۷۸۶ق) (شهید اول، بی‌تا (الف)، ص۹۳؛ شهید اول، بی‌تا (ب)، ج۱، ص۷۷؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج۲، ص۱۰۳)، فاضل مقداد (۸۲۶ق) (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص۲۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج۱، ص۳۲)، مولّف عوالی اللئالی (۹۰۱ق)

(احسایی، ۱۴۰۵ق، ج۱، ص۴۰۴، ح۶۳؛ ج۲، ص۱۱، ح۱۸) و پس از ایشان، به عنوان روایت در کتب فقهی (اردبیلی، بی‌تا، صص۴۲۵ و ۶۹۶؛ استرآبادی، ۱۳۹۴ق، ص۵۶، بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج۲، ص۱۷۸) و کتب حدیثی (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج۴، ص۳۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۶۷، صص۱۸۶، ۱۹۷، ۲۳۴؛ ج۶۹، ص۲۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج۷، ص۸۱؛ ج۸، ص۸۹) جای خود را باز می‌کند. بنابراین، گویا این گزاره، مصداقی از ضرب المثل «ربّ مشهور لا اصل له» می‌باشد.

۲. بررسی محتوایی

برای فهم بهتر و بیشتر روایت مورد بحث در این مقاله، از آیات قرآن، روایات و عقل استفاده می‌کنیم تا به فهم درست و دقیق مقصود کلام برسیم.

۱-۱. موافقت یا مخالفت با آیات قرآن

قرآن کریم بهترین و والاترین متن اسلامی است که به اجماع کل مسلمین حجت و معتبر است، همان‌گونه که پیامبر اکرم... در حدیث متواتر ثقلین فرمودند: «قرآن و عترت در کنار هم، راه رستگاری هستند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۲۷، ص۳۴).

در کنار پیراستگی قرآن از خطا و اشتباه، احادیثِ متواترِ معنویِ عرضه (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج۱، ص۷۰؛ تنکابنی، ۱۳۸۵ق، ج۱، ص۲۰۶؛ ذهنی تهرانی، ۱۴۰۵ق، ج۳، ص۵۷۵) به ما دستور می‌دهد که در اخذ حدیث وشناخت سره از ناسره حتی در غیر روایات متعارض، به قرآن مراجعه کنیم (برقی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۲۲۶، ح۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۶۹، ح۱، ۳، ۴، ۵؛ صدوق، ۱۳۷۶، ص۳۶۷، ح۱۶ و...). پس برای فهم دقیق روایت معصومان، به مراجعه به اصل و پایه سخنان ایشان -که همان قرآن است- نیاز داریم. بنابراین باید این سخنان با قرآن سنجیده شود.

فخر رازی ذیل آیه «**اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ**» (أعراف: ۵۵) ادعای اتفاق کرده است که اگر بنده‌ای به طمع رسیدن به ثواب یا دوری از عقاب، عبادتی را انجام دهد، عبادتش باطل خواهد بود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۱۴، ص۲۷۹) و معبود اصلی او، همان ثواب و عقاب است نه خداوند (فخر رازی، ج۳۲، ص۲۴۲). برخی از فقهای شیعه هم این قول را به اصحاب نسبت داده‌اند (شهید اوّل، بی‌تا، ج۱، ص۷۷) و بیان داشته‌اند کسی که

چنین قصدی کند قصد رشوه نموده (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج۱، ص۱۲۰) بلکه به نقل برخی، پاره‌ای این عبادت را شرک‌آلود دانسته‌اند و برای تأیید این نظریه، به روایت مورد بحث استناد کرده‌اند (کاظمی، بی‌تا، ج۱، ص۲۳۵).

البته اینکه قصد ثواب، منافات با اخلاص داشته باشد، قابل خدشه است؛ همان‌طور که در آیه «**إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ**» (أنبیاء، ۹۰) یا آیه «**تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ**» (سجده، ۱۶) هم آمده است (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۱۴، ص۳۱۶؛ جزائری، بی‌تا، ص۱۹۷). برخی تصریح کرده‌اند: «قصد ثواب، عمل را از جُستن وجه الله خارج نمی‌کند، زیرا ثواب نزد خداست؛ پس جوینده ثواب هم، وجه الله را می‌جوید و این هدف بر عبادت، عیب و نقصی وارد نمی‌کند، چون‌که کتاب و سنت نسبت به رویدادهای ترساننده، برحذر می‌دارد و نسبت به امور تشویقی، راغب می‌سازد» (کاظمی، بی‌تا، ج۱، ص۲۳۵؛ نیز: شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ج۱، ص۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۲۵، ص۳۵۶)

حتی برخی اظهار داشته‌اند که این مطلب، نظر کسانی است که به حقایق تکالیف و مراتب مردم آگاهی ندارند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج۸، ص۹۰؛ فیض‌کاشانی، ۱۴۲۵ق، ج۱، ص۵۲۳). علاوه بر این، چنین معنایی برای اخلاص تنها برای خواصّ از بندگان الهی حاصل می‌شود (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج۲، ص۱۷۸).

از جمله آیاتی که می‌تواند مضمون روایت را تأیید نماید، آیه «وَ مَا أُمِرُوا إِلا لِيَعْبُدُوا اللهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (بینه، ۵) است؛ اینکه اخلاص در دین و عبادت باید برای خصوص ساحت کبریایی باشد بر هر فردی نیز واجب است و به طور اطلاق دین و عبادت خالص اختصاص به منعم حقیقی دارد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج۱۸، ص۲۳۶). البته خطاب آیه مورد بحث به اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) و مشرکان (مراد دوگانه‌پرستان) است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج۳۰، ص۴۰۱) که در دو مقام عبادت و اطاعت دچار شرک جلی بودند (المائدة، ۷۳؛ التوبة، ۳۰ و ۳۱) و براساس برخی روایات منقول در پاره‌ای از تفاسیر، شرک خفی را هم در برمی‌گیرد (بروجردی، ۱۳۶۶، ج۲، ص۱۷۷). ولی نفی هر گونه نیتی حتی نیت ثواب یا

عقاب از آن - بدون اینکه انسان برای کسی ریا کند یا دچار شرک جلی باشد - بعید به نظر می‌رسد؛ مخصوصا که در برخی از روایات، اخلاص را ایمان به خداوند ﷻ و رسول خدا... و ائمه اطهار علیهم‌السلام مطرح می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج۵، ص۷۱۸) و این مطلب، با عبادت برای ثواب یا دوری از عقاب قابل جمع است.

۱-۲. سنجیدن با دیگر روایات

تشکیل خانواده حدیثی برای فهم دقیق کلمات صادر شده از معصومان%، بسیار کارگشاست، ازاین‌رو که امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند: «إِنَّ كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوَّلِنَا وَ كَلَامَ أَوَّلِنَا مصَداقٌ لِكَلَامِ آخِرِنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۲، ص۲۵۰، فیض‌کاشانی، ۱۳۷۱، ص۶۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج۲، ص۳۵۷؛ کشی، ۱۴۰۹ق، ص۲۲۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۲۷، ص۱۲۴).

بنابراین فایده مهم تشکیل خانواده حدیثی، روشن شدن مقصود اصلی معصومان است (دلبری، ۱۳۹۱، ص۷۴۸). ازاین‌رو نگارندگان برای سنجش این برداشت (نادرستی اعمال عبادی به طمع ثواب یا ترس از عقاب) سزاوار است دیگر احادیث در این موضوع را نیز بررسی کنند تا چنین استفاده‌ای ارزیابی شود.

روایت اوّل، حدیثی به سند صحیح[1] از امام صادق علیه‌السلام است که فرمود: «إِنَّ الْعُبَّادَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَوْفاً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ. وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأُجَرَاءِ. وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حُبّاً لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ. وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۸۴)

مقتضای افعل تفضیل، نشان می‌دهد که عبادت به دو گونه اوّل خالی از فضل نیست، هر چند که مرتبه آنان پایین‌تر است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج۱، ص۳۳۱). بنابراین این حدیث صراحت داشته و نص می‌باشد بر این‌که هر سه گونه از عبادت، صحیح است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج۲، ص۵۸۱؛ فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج۴، ص۳۶۶).

---

۱. زنجیره سند عبارت‌اند از: علی بن ابراهیم (نجاشی، ۱۳۶۵، ص۲۶۰)؛ ابراهیم بن هاشم (نجاشی، ۱۳۶۵، ص۱۶؛ بر وثاقت ایشان ادعای اجماع شده است (ابن‌طاووس، بی‌تا، ص۱۵۸))، حسن بن محبوب (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص۱۲۲)، جمیل بن دراج (نجاشی، ۱۳۶۵، ص۱۲۸)، هارون بن خارجه (نجاشی، ۱۳۶۵، ص۴۳۷) همه راویان امامی و ثقه هستند.

روایات بسیار مشهور به اخبار «من بلغ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج۱، صص۸۲-۸۰، ح۱-۹) که ادعای تواتر معنوی آن‌ها بعید نیست (انصاری، ۱۴۰۴ق، صص۱۴ و ۱۵)، بر درستی عمل به قصد تحصیل ثواب دلالت دارند. برای نمونه از امام محمد باقر علیه‌السلام منقول است که می‌فرمود: «مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ الْتِمَاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ، أُوتِيَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۸۷)

بنابراین این روایت و مانند آن بر صحت اعمالی که به طمع رسیدن به ثواب می‌باشد دلالت دارد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج۲، ص۱۷۸) و ازآن‌رو که کسی از عالمان بین تحصیل ثواب و دوری از عقاب قائل به تفصیل نشده است؛ بنابراین انجام عبادات از ترس عذاب هم صحیح به نظر می‌رسد.

مشروعیت نماز حاجات (نجفی، ۱۳۶۲ق، ج۱۲، ص۱۷۶)، نماز استسقاء (نجفی، ۱۳۶۲ق، ص۱۲۷)، نماز استخاره بر اساس برخی از معانی آن (نجفی، ۱۳۶۲ق، ص۱۵۶) و... -که روایات بسیاری بر آنان دلالت دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۳، صص۴۷۳-۴۸۰) - و دعاهای مأثوره در طلب فرزند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، صص۷-۱۱) و... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، صص۵۱۱، ۵۱۲، ۵۵۰ -۵۶۸) و ادعیه‌ای که در آن‌ها وعد و وعید آمده، برای این‌که در مردم ترغیب انجام طاعات و دوری از معاصی را ایجاد کند، مانند فرازهایی از دعای ابوحمزه ثمالی مانند «أدعوک یا ربّ راهباً راغباً راجیاً خائفاً» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج۲، ص۵۸۴)، دلالت این روایات بسیار زیاد، بر مطلب کاملاً روشن است (خویی، بی‌تا، ج۱، ص۴۶۴). آری ادعیه مأثوره بسیاری که از امام علی علیه‌السلام و ذریه ایشان وارد شده، ناقض چنین برداشتی -یعنی نادرستی عبادات به طمع ثواب یا دوری از عقاب- است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج۶، ص۱۲۰).

افزون بر این‌که اولیای الهی برخی از اعمالشان را برای بهشت و دوری از آتش انجام می‌داده‌اند؛ به این دلیل که حبیب آن‌ها، آن را دوست می‌داشت یا به این جهت که به مردم تعلیم دهند که اعمالشان را برای آخرت خالص نمایند (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج۴، ص۳۶۳). برای نمونه به سند صحیح[1] از امام علی علیه‌السلام روایت شده است که در وصیت‌نامه

۱. زنجیره سند عبارت‌اند از: ابوعلی الاشعری (نجاشی، ۱۳۶۵، ص۹۲)؛ محمد بن عبد الجبار (طوسی،

خود بر اموالش آورده است: «... هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ وَ قَضَى بِهِ فِي مَالِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيٌّ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ لِيُولِجَنِي بِهِ الْجَنَّةَ وَ يَصْرِفَنِي بِهِ عَنِ النَّارِ وَ يَصْرِفَ النَّارَ عَنِّي يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۷، ص۴۹؛ سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص۳۲۴).

این روایت صراحت دارد که وصایای آن حضرت علیه‌السلام از برای طمع در بهشت و ترس از آتش بود و این معنی، منافاتی با طلب وجه الله ندارد (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج۲، ص۵۸۲)؛ زیرا اگر عبادت با این نیت، صحیح نبود، ایشان چنین کاری نمی‌کرد و چنین کلامی را اظهار نمی‌نمود (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج۴، ص۳۶۶).

بنابراین براساس صحت سند این روایت و عدم معلومیت سند روایت مورد بحث، این روایت و مانند آن، بر معنای برداشت شدهٔ نادرست از روایت محل بحث رجحان دارند (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج۲، ص۵۸۲) و باطل بودن عبادات با نیت تحصیل ثواب یا دوری از عقاب با روایات بسیاری ناسازگار است که برخی بر این مطلب هم اذعان کرده‌اند (سبزواري، ۱۴۱۳ق، ج۶، ص۱۲۰؛ صدر، ۱۴۲۰ق، ج۱، ص۳۶۹) و حتی پاره‌ای پا را فراتر گذاشته و بر این باورند که عبادت به نیت ثواب یا دوری از عقاب براساس سیره معصومان صحیح است (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج۱، ص۱۲۰).

۱-۳. سازگاری با ادله عقلی

خداوند متعال به عقل بشری به عنوان پیامبر درونی حجیت بخشیده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۲۵، ح ۲۲) و در قرآن کریم به اندیشیدن و تعقل فرمان داده است؛ لذا حکم عقل مورد قبول شارع است و عقل سلیم و صحیح یکی از بهترین ابزار در جهت فهم دقیق و صحیح روایات معصومان می‌باشد. عقل از دو جهت می‌تواند ما را در جهت فهم معنای روایت یاری رساند:

۱. هر عاقلی بدون اینکه قصد و هدفی از عمل داشته باشد، عملی را انجام نمی‌دهد و اهداف عبادت به دو مورد محدود می‌شود:

۱۳۷۳، ص۳۹۱)، صفوان بن یحیی (نجاشی، ۱۳۶۵، ص۱۲۰)، عبد الرحمن بن الحجاج (نجاشی، ۱۳۶۵، ص۲۳۸) همه راویان امامی و ثقه هستند.

الف) غایت مترتب بر فعل، به خود فاعل برگشت نکند بلکه تنها رجوع به معبود کند و مکلف بدون چشم‌داشت به حور و قصور و طمع در بهشت و ترس از جهنم -و در کل قصد هیچ منفعتی از منافع دنیوی و اخروی را نداشته باشد- عبادات را انجام بدهد؛ این قسم از عبادت تنها از معصومان و بندگان خاص الهی صادر می‌شود و روایت امیرمومنان علیه‌السلام هم اشاره به همین قسم دارد.

ب) غایت مترتب بر فعل، به خود فاعل برگشت کند خواه بخواهد اخروی باشد مانند طمع در بهشت و ترس از دوزخ و خواه دنیوی باشد مانند روزه گرفتن به امید رسیدن به پول که در این صورت‌ها هم عقل هیچ مانعی برای پذیرش و قبول عمل عبادی نمی‌بیند و شرع هم که از این حکم عقل نهی نکرده است (نک: خویی، ۱۴۱۸ق، ج۵، ص۴۱۶؛ فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج۴، ص۳۶۳).

۲) انسان برای یك کار انگیزه‌های متفاوتی دارد و این انگیزه‌ها گاه در طول یکدیگرند و گاه در عرض یکدیگر. انگیزه‌هایی که در عرض یکدیگرند، در اینجا محلّ بحث ما نیستند؛[1] امّا انگیزه‌هایی که در طول یکدیگر هستند مثل اینکه برای انجام کاری انگیزه‌ای داریم، و برای این انگیزه داعی دیگری وجود دارد، و برای داعی دوم ممکن است انگیزهٔ سومی باشد، که این سه داعی و انگیزه در طول یکدیگرند (نک: سبحانی، ۱۴۲۴ق، ص۸۴۰).

در عبادات نیز غالباً انگیزه‌های مختلف غیر الهی در طول انگیزه الهی دیده می‌شود و کسانی که تمام عبادات خود را به طور کامل برای رضای خدا انجام دهند و هیچ حاجت و درخواستی از او نداشته باشند کمیابند؛ یعنی کسی که مصداق این جمله مورد بحث باشد: «تنها انگیزه‌ام از عبادت این است که تو را شایسته عبودیّت یافتم» کم یافت می‌شود. بنابراین انگیزه‌های مختلفی برای عبادت وجود دارد، که برخی از آنها مادی و برخی هم معنوی می‌باشد؛ و گاه انگیزه‌ها، مخلوطی از انگیزه‌های مادی و معنوی است؛ مثلاً شخصی که به زیارت یکی از معصومان علیهم‌السلام مشرّف می‌شود، و او را برای خدا زیارت

۱. مثل اینکه انگیزهٔ شخصی در پیاده طی کردن مسیر منزل تا محل کار، امور مختلفی است، که در عرض یکدیگرند: الف. صرفه‌جویی در مخارج، ب. دیدار برخی از دوستانی که در مسیر راه هستند، ج. خرید کالاهای مورد نیاز که در مسیر راه است.

می‌کند، گاه انگیزه‌اش نورانیت و صفای باطن است، و در پاره‌ای از اوقات شفای بیماری خود یا نزدیکانش می‌باشد، و گاه استمداد جستن از آن ولی الله برای شفاعت در پیشگاه خدا، جهت پرداخت بدهی‌هایش. اینها همه از قبیل داعی بر داعی است، و هیچ کس نمی‌تواند تمام این زیارات را باطل بداند زیرا خود شارع مقدّس و ائمّه علیهم‌السلام اینها را به ما تعلیم داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص۶۸؛ آملی، ۱۴۰۶ق، ج۴، ص۳۶۲).

۳. جمع‌بندی

با توجّه به مطالبی که بیان شد می‌توان به نتایج ذیل دست پیدا کرد:

۱. عده‌ای عبارت «إلَهی مَا عَبَدْتُكَ خَوفاً مِنْ نَارِكَ وَ لا شَوقاً إلی جَنَّتِك بَل وَجَدْتُك أهْلاً لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُك» را به عنوان روایت در کتب فقهی و حدیثی خود به صورت مرسل بیان کرده‌اند و حتی برخی ادعای تواتر آن را هم مطرح کرده‌اند؛ ولی با بررسی معلوم شد که این گزاره در مصادر حدیثی و دست اوّل ذکر نشده است. بلکه نخستین کسانی که این عبارت را ذکر کرده اند، به ترتیب، ابن‌میثم بحرانی، شهید اول، فاضل مقداد و مولّف عوالی اللئالی این عبارت را به صورت مرسل بازتاب می‌دهند و در نتیجه این گزاره، مصداقی از ضرب المثل «ربّ مشهور لا اصل له» می‌باشد.

۲. آیه‌های ۹۰ سوره انبیاء و ۱۶ سوره سجده، نشان‌گر آن است که قصد ثواب، منافات با اخلاص ندارد و با توجّه به مراتب مردم و حقایق تکالیف قطعاً عبادت خالص تنها برای خواص از بندگان الهی حاصل می‌شود.

۳. با تشکیل خانواده حدیثی می‌توان به این فهم دست یافت که اعمالی که به طمع رسیدن به ثواب و عباداتی که از ترس عذاب انجام می‌پذیرد، می‌تواند از صفت صحت برخوردار شوند. ادعیه مأثوره بسیاری برداشتِ نادرستی عبادات به طمع ثواب یا دوری از عقاب را نقض می‌کند؛ افزون بر این‌که اولیای الهی برخی از اعمالشان را برای بهشت و دوری از آتش انجام می‌داده‌اند.

۴. عقل سلیم و صحیح یکی از بهترین ابزار در جهت فهم دقیق و صحیح روایات معصومین می‌باشد و حکم عقل نیز مورد قبول شارع است؛ در جایی که عقل هیچ مانعی

برای پذیرش و قبول عملی که به طمع رسیدن به بهشت و ترس از دوزخ نمی‌بینند، عبادتی که با این انگیزه انجام بپذیرد، قابل قبول خواهد بود و شرع هم که از این حکم عقل نهی نکرده است. همچنین عقل حکم می‌کند: عبادات غالباً دارای انگیزه‌های مختلف غیر الهی در طول انگیزه الهی هستند و کسانی که تمام عباداتشان را به طور کامل برای رضای خدا انجام دهند و هیچ حاجتی از او نداشته باشند؛ کمیابند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغة.

التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه‌السلام، تحقیق: مدرسهٔ امام مهدی علیه‌السلام، قم، مدرسة الامام المهدی علیه‌السلام، ۱۴۰۹ق.

آملی، میرزا هاشم، **المعالم المأثورة**، مقرّر: محمدعلی اسماعیل‌پور قمشه‌ای، قم، ۱۴۰۶ق.

ابن‌أبي‌الحدید، **شرح نهج البلاغة لابن‌ابی‌الحدید**، تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم، قم، مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

ابن‌طاووس، علی، **فلاح السائل**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی‌تا.

ابن‌میثم، میثم بن علي، **شرح نهج البلاغة**، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ش.

احسایی، ابن‌ابی‌جمهور، **عوالي اللئالي**، قم، دار سیّدالشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.

اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان، المکتبة الجعفریة لإحیاء الآثار الجعفریة، بی‌تا.

استرآبادی، محمد، آیات الأحکام، کتابفروشی معراجي، تهران، ۱۳۹۴ق.

انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، پنجم، قم، موسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم، ۱۴۱۶ق.

انصاری، مرتضی، رسالة فی التسامح فی ادلة السنن، **مجموعه رسائل فقیهة و اصولیة**، به کوشش عباس حاجیانی، قم، ۱۴۰۴ق.

آقا جمال خوانساری، محمد، **شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم**، تصحیح: جلال الدین ارموی حسینی، چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.

بحرانی، یوسف، **الحدائق الناضرة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، **البرهان في تفسیر القرآن**، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۱۵ق.

بروجردی، محمدابراهیم، **تفسیر جامع، تهران**، کتابخانه صدر، ۱۳۶۶ش.

برقی، احمد، **المحاسن**، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

تبریزی، میرزا فتاح شهیدی، **هدایة الطالب إلي أسرار المکاسب**، تبریز، چاپخانه اطلاعات، ۱۳۷۵ق.

تنکابنی، محمد، **إيضاح الفرائد**، تهران، مطبعة الاسلامية (اخوان کتابچی)، ۱۳۸۵ق.
جزائری، عبد الله بن نور الدین، **التحفة السنية في شرح النخبة المحسنية**، تهران، بی‌تا.
حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشيعه**، قم، مؤسسة آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
حسینی همدانی، محمد، **انوار درخشان در تفسیر قرآن**، محقق: محمدباقر بهبودی، تهران، انتشارات لطفی، ۱۴۰۴ق.
حکیم، سیّد محسن طباطبایی، **مستمسك العروة الوثقى**، قم، ۱۴۱۶ق.
حلّی، مقداد بن عبدالله، **التنقيح الرائع لمختصر الشرائع**، قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
حلّی، مقداد بن عبدالله، **كنز العرفان**، قم، انتشارات مرتضوی، ۱۴۲۵ق.
خویی، سیّد ابوالقاسم، **موسوعة الإمام الخوئي**، قم، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، ۱۴۱۸ق.
خویی، سیّد ابوالقاسم، **مصباح الفقاهة**، تقریر: محمدعلی توحیدی، بی‌تا.
دلبری، سید علی، **آسیب‌شناسی فهم حدیث**، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱ش.
ذهنی تهرانی، سید محمدجواد، **تشريح المقاصد في شرح الفرائد**، قم، نشرحاذق، ۱۴۰۵ق.
سبحانی، جعفر، **المواهب في تحرير أحكام المكاسب**، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۴۲۴ق.
سبزواری، سید عبدالأعلی، **مهذّب الأحكام**، قم، مؤسسه المنار- دفتر حضرت آیة الله، ۱۴۱۳ق.
شهید اول (عاملی)، محمد بن مکی، **القواعد و الفوائد**، تحقیق: سید عبد الهادی حکیم، قم، بي‌تا.
شهید اول (عاملی)، محمد بن مکی، **ذكرى الشيعة**، قم، موسسة آل البیت، ۱۴۱۹ق.
شهید اول (عاملی)، محمد بن مکی، **رسائل الشهيد الأول**، بی‌تا.
شهید ثانی، زین الدین بن علی، **روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان**، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، ۱۴۰۲ق.
صدر، سید محمد، **ما وراء الفقه**، تحقیق و تصحیح: جعفر هادی دجیلی، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق.
صدوق، محمد بن علي، **الامالی**، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، **عروه الوثقى**، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۹ق.
طباطبایی، محمدحسین، **الميزان في تفسير القرآن**، بیروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
طبرسی، احمد، **الإحتجاج**، تصحیح: محمدباقر خرسان، مشهد، نشرمرتضی، ۱۴۰۳ق.
طریحی، فخر الدین، **مجمع البحرين**، تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
طوسی، محمد بن حسن، **رجال الطوسی**، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، جماعة المدرسین، ۱۳۷۳ش.
طوسی، محمد بن حسن، **فهرست الطوسی**، تحقیق: عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبة المحقق الطباطبایی، ۱۴۲۰ق.
طوسی، محمد بن حسن، **مصباح المتهجد**، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.

عاملی، سیّد محمدحسین ترحینی، **الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية**، قم، دار الفقه للطباعة و النشر، ۱۴۲۷ق.

فخر رازی، محمد بن عمر، **التفسير الكبير** (مفاتيح الغيب)، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۲۰ق.

فیض‌کاشانی، محمدمحسن، **الشافي في العقائد و الأخلاق و الأحكام**، تهران، دار نشر اللوح المحفوظ، ۱۴۲۵ق.

فیض‌کاشانی، محمدمحسن، **الوافي**، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علي علیه‌السلام، ۱۴۰۶ق.

فیض‌کاشانی، محمدمحسن، **نوادر الاخبار**، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ش.

کشی، محمد، رجال الكشي، مشهد، ۱۴۰۹ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

مازندرانی، محمدصالح، **شرح الكافی**، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ق.

مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، تحقیق: سیّد إبراهیم میانجي و محمدباقر بهبودي، بیروت، دار إحیاء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.

مجلسی، محمدباقر، **مرآة العقول**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی تهران، دار إحیاء الكتاب الاسلامية، ۱۴۰۴ق.

مجلسی، محمدتقی، **روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه**، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.

مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دار الكتب الاسلامية، تهران، ۱۳۷۱ش.

مکارم شیرازی، ناصر، **حیله‌های شرعی و چاره‌جوئی‌های صحیح**، قم، انتشارات مدرسة الإمام علي بن أبي طالب علیه‌السلام، ۱۴۲۸ق.

نجاشی، احمد، **رجال النجاشی**، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم، ۱۳۶۵ش.

نجفی، محمدحسن، جواهر الكلام، تحقیق: عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ش.